

بررسی آراء مفسران در فلسفه به‌کارگیری «گمان به رستاخیز» به‌جای «یقین به آخرت» در تفسیر آیه ۴۶ بقره

احمد آقایی‌زاده ترابی*

چکیده

در آیه ۴۶ بقره ظنّ به ملاقات خدا و گمان به رستاخیز، یکی از اوصاف مثبت نمازگزاران خاشع معرفی شده است، در حالی که چهارمین آیه این سوره، یقین به آخرت را از اوصاف مؤمنان دانسته است. از آنجا که میان گمان به رستاخیز و یقین به آن، نوعی تقابل و ناهم‌سازی وجود دارد، میان دو آیه نوعی تعارض به نظر رسیده است. مفسران، تلاش کرده‌اند تا تعارض ظاهری و ابتدایی میان دو آیه را از میان بردارند و فلسفه به‌کار رفتن تعبیر گمان به‌جای یقین را تبیین کنند. این پژوهش پس از بررسی حدود صد منبع تفسیری، به ده بیان تفسیری دست یافته و آنها را در سه دیدگاه عمده گنجانده است: ظنّ به معنای یقین - که اکثر مفسران بدان معتقدند؛ ظنّ متمایل به یقین و تمایز معنای ظنّ و یقین و تلاش برای رفع تعارض از طریق استعمال مجازی یا متعلّق ظنّ، که از نظر این پژوهش، دیدگاه سوم با معیارها و موازین تفسیری سازگارتر است.

واژگان کلیدی

آیه ۴۶ بقره، تفسیر کلامی، ظنّ، یقین، رستاخیز، لقای الهی.

a_torabii@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۸

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۶

طرح مسئله

آیه ۴۶ سوره بقره: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» که در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، ظنّ به لقای الهی و رستاخیز راه، از امتیازهای آنان برشمرده و اهل نماز و خشوع را به خاطر این «ظنّ - گمان» مورد ستایش قرار داده است و این در حالی است که:

یک. باور به رستاخیز به عنوان یکی از اصول اعتقادی، نیازمند یقین قطعی و تردیدناپذیر است، در حالی که اگر «ظنّ» به معنای «گمان» و «احتمال قوی» باشد، با مرتبه‌ای از شک و ابهام همراه است و نمی‌تواند برای ایمان به رستاخیز مفید و مجزی باشد.

دو. خدای متعال در آیه ۴ سوره بقره فرموده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» یعنی کسانی که به آنچه بر تو و رسولان پیشین نازل شده است، مؤمن‌اند و به آخرت نیز «یقین» دارند.

در این آیه اعتقاد به آخرت، نیازمند یقین معرفی شده است و در ظاهر با آیه ۴۶ همین سوره - که گمان به رستاخیز را مفید و ارزشمند دانسته است - نوعی تعارض و ناهمسازی دارد!

این دو موضوع که جنبه تفسیری و نیز کلامی دارد، باعث شده است که مفسران در مقام پاسخ برآیند و در تبیین فلسفه به کارگیری تعبیر «يَظُنُّونَ» به جای «يُوقِنُونَ» تدبیری بیندیشند.

مفسرانی که ایمان یقینی به آخرت را بر اساس آموزه‌های قرآن، امری ضروری و غیر قابل چشم‌پوشی یافته‌اند، معمولاً درصدد برآمده‌اند تا با تصرف در معنای «ظنّ» و تغییر آن به معنای «علم» و یقین» تعارض ظاهری دو آیه را حل کنند، غافل از اینکه پیمودن این راه، زمینه پیدایش سؤال جدیدی را فراهم می‌آورد، مبنی بر اینکه اگر به راستی منظور از «ظنّ» در این آیه، علم و یقین بوده است، پس علت عدول از واژه «یقین» و استفاده از واژه «ظنّ» چه بوده است؟ مگر قرآن نمی‌توانست به جای واژه «يَظُنُّونَ» از واژه «يُوقِنُونَ» یا «يَتَيَقِنُونَ» استفاده کند!

این پژوهش به منظور تبیین فلسفه کاربرد «ظنّ» به جای «یقین»، نخست آراء اهل لغت و سپس دیدگاه مفسران را ذیل آیه مورد بررسی، تحلیل و داوری قرار داده است.

دیدگاه لغت‌شناسان درباره معنای «ظنّ»

- کتاب العین؛ از منابع لغوی قرن دوم، نوشته است: ظنّ هم به معنای شک به کار رفته و هم به معنای یقین، یکی از مواردی که ظنّ در معنای یقین به کار رفته، آیه «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» است. (فراهیدی، ۸: ۱۴۰۹ / ۱۵۱)

- مفردات ألفاظ القرآن؛ به‌عنوان تبیین‌کننده لغات بر پایه کاربردهای قرآنی آن، می‌نویسد:

«ظن» اسم است برای علم یا باوری که از نشانه و اماره حاصل شده باشد، حال اگر آن نشانه قوی و خلل‌ناپذیر باشد، ظن و گمان به علم منتهی می‌شود و اگر آن نشانه همراه با نوعی ضعف و تردید باشد، ظن به جانب توهم میل می‌کند. (راغب اصفهانی، ۵۳۹: ۱۴۱۲)

- الصحاح؛ از منابع قرن چهارم، می‌نویسد: «واژه «ظن» معنای معروف و شناخته‌شده‌ای دارد و البته گاهی در جایگاه علم می‌نشیند». (جوهری، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۱۶۰)

- الفروق فی اللغة؛ نوشته است: در «ظن» احتمال طرف مخالف داده می‌شود ولی در «علم» چنین نیست. (عسکری، ۱۴۰۰: ۹۳)

- در لسان العرب آمده است:

ظن، به‌معنای شک و نیز به‌معنای یقین است؛ البته زمانی ظن در معنای یقین به‌کار می‌رود که یقین محصول تدبّر باشد نه محصول مشاهده عینی و آشکار، که به آن علم اطلاق می‌شود. (ابن‌منظور، بی‌تا: ۱۳ / ۲۷۲)

- در المصباح المنیر «ظن مصدر از وزن «قتل» است و معنای آن خلاف یقین است، هرچند گاهی در معنای یقین نیز به‌کار می‌رود». (غزالی، ۱۴۱۴: ۲ / ۳۸۶)

- در المغرب فی ترتیب المعرب «ظن به‌معنای پنداشتن و به حساب آوردن است و گاهی به‌طور مجاز در معنای علم به‌کار می‌رود». (مطرزی، ۱۳۹۹: ۲ / ۳۵)

- القاموس المحیط می‌نویسد: «ظن در جایی به‌کار می‌رود که نسبت به آن جزم - و یقین - نداریم و موضوع بین دو طرف، مردّد است ولی یک طرف آن ترجیح دارد، بلی گاهی ظن به جای علم می‌نشیند». (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۴۲)

- در مجمع البحرین آمده است: «در آیه «إِنْ نُّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا» معنا این است که گمان ما به یقین منتهی نشده است، بلی البته در برخی موارد ظن به‌معنای علم آمده است». (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۷۹)

تحلیل آراء لغت‌شناسان

با اینکه برخی از منابع لغوی، برای واژه «ظن» دو معنای متضادّ یاد کرده‌اند که عبارت است از: شک و یقین، اما به‌نظر می‌رسد آنان این سخن را با توجه به دیدگاه مفسران ذیل آیه ۴۶ سوره بقره اظهار

داشته‌اند و نه بر اساس کاربرد عرفی - لغوی آن! گواه درستی این نظر، آن است که:

الف) آنان وقتی خواسته‌اند مثالی برای کاربرد «ظن» در معنای «یقین» ارائه دهند، معمولاً به تنها نمونه‌ای که استشهاد کرده‌اند، آیه یادشده و نظائر آن در قرآن بوده است! فارغ از اینکه ممکن است این آیات، تفسیر دیگری داشته باشد که «ظن» در آن به معنای «یقین» و «علم» نباشد! این دسته از لغویان اگر به ندرت شاهده‌ای از شعر عرب آورده‌اند، آن شعر نیز صراحت و قطعیتی در مقصود آنان ندارد و مانند آیات، تفسیر دیگری را برمی‌تابد.

ب) برخی دیگر از منابع لغوی بر این واقعیت انگشت نهاده‌اند که معنای اصلی و اولی «ظن»، یقین نیست و اگر بنا شود که «ظن» در معنای یقین به کار رود، به گونه مجاز خواهد بود و نیاز به قرینه دارد؛ مانند عبارتی که از *الصحاح و الفروق فی اللغة و المصباح المنیر و المغرب فی ترتیب المغرب* نقل شد.

ج) حتی منابعی چون *لسان العرب* که نخست می‌گوید: «ظن، به معنای شک و نیز یقین آمده است.» در توضیح سخن خود، یقین را به دو نوع تقسیم کرده است تا بتواند مرز میان ظن و علم و یقین را حفظ کند و نشان دهد که واژه ظن به جای هر علم و یقینی نمی‌نشیند، بلکه فقط به جای علمی می‌نشیند که محصول اماره‌ها، نشانه‌ها، تعقل و تدبّر باشد (که می‌تواند همراه با نوعی احتمال خلاف باشد) نه علمی که محصول شهود عینی و تجربه حسی است.

دیدگاه مفسران در معنای «یظنون» و تفسیر آیه

با توجه به تعدّد تفاسیر و تبعیت بسیاری از مفسران از آراء متقدمان و تکرار مطالب و انظار، در اینجا تلاش می‌شود تا فقط بر جدید بودن دیدگاه تأکید گردد و نخستین تفسیری که دیدگاه جدیدی را مطرح کرده آورده شود، هرچند تفسیر معروف و مطرحی نباشد.

۱. ظن به معنای یقین و علم

بیش از نیمی از تفاسیر، در تفسیر آیه «ظن» را علم یا یقین معنا کرده‌اند و در منابع موجود و در دسترس، تفسیر مقاتل بن سلیمان به عنوان کتاب تفسیر - و نه حدیث - برای نخستین بار این نظریه را مطرح کرده و نوشته است: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ يَعْنِي يَعْلَمُونَ يَقِينًا». (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱ / ۱۰۲)

در *غریب القرآن و تفسیره* نیز این تعبیر آمده است: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَي يَعْلَمُونَ وَ الظَّنُّ بِمَعْنَى: شك و یقین» که با صراحت، ظن را به معنای علم و یقین شمرده است. (یزیدی، ۱۴۰۵: ۶۹)

این معنا برای ظن، قبل از کتب تفسیری، در آراء تابعان نیز دیده شده است، چنان‌که طبری از قول مجاهد نقل کرده است: «کل ظن في القرآن يقين» و «کل ظن في القرآن فهو علم» (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۶) یعنی هر جا در قرآن کلمه ظن به‌کار رفته باشد به‌معنای یقین و نیز به‌معنای علم است. **تفسیر تسنیم** که در ردیف آخرین تفاسیر عصر حاضر به‌شمار می‌آید، نیز «ظن» را به‌معنای یقین دانسته و نوشته است:

ظن در یظنون به‌معنای یقین است، نه گمانی که قسیم یقین و در برابر آن است؛ زیرا اولاً؛ مؤمنان، به‌ویژه مؤمنان خاشع، مطابق آنچه در آیه چهارم این سوره گذشت: «وبالآخرة هم يوقنون» به آخرت یقین دارند و ثانیاً؛ این یقین است که انسان را خاشع قطعی و خاکسار یقینی می‌سازد، نه صرف گمان. (جوادی آملی، ۱۳۱۸: ۴ / ۱۷۳)

۲. ظن دارای دو معنای متعارض (شک و یقین)

تفسیر **جامع البیان فی تفسیر القرآن** نخست این پرسش را مطرح کرده است که: خداوند چگونه اهل خشوع را به داشتن «ظن به ملاقات الهی» متصف کرده، با اینکه ظن، قرین شک است و شک در لقای الهی کفر است! سپس در مقام پاسخ برآمده و گفته است: عرب گاهی یقین و گاهی شک را ظن نامیده است؛ نظیر واژه «سدفه» که به‌معنای «ظلمت» و نیز «روشنایی» آمده و یا کلمه «صارخ» که به‌معنای «فریادرس» و نیز «یاری طلب» آمده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۶)

۳. «ظن»، به‌معنای گمان متمایل به یقین

در تفسیر قمی چنین آمده است: «الظن في الكتاب علي وجهين - فمنة ظن يقين و منه ظن شك - ففي هذا الموضع الظن يقين - و إنما الشك قوله تعالی «إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا - وَ مَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِينَ» (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۴۶) وی ظن را به دو نوع تقسیم کرده است: ۱. ظن به‌معنای شک یا متمایل به شک و ۲. ظن به‌معنای یقین یا متمایل به یقین (تعبیر «ظن یقین» و «ظن شک» چندان تعبیر آشنا و رایجی نیست، از این‌رو در ترجمه دو احتمال را آورده‌ایم) هرچند به احتمال زیاد، نظر قمی همان نظر «مقاتل بن سلیمان» باشد و دیدگاه جدیدی نباشد. به هر حال تفسیر **غریب القرآن و تفسیره** که تفسیری ادبی - لغوی است، عبارت صریح‌تری را در این‌باره دارد و نوشته است: «و أصل الظن و قاعدته الشك مع ميل إلي أحد معتقديه» (یزیدی، ۱۴۰۵: ۶۸) یعنی؛ معنای اصلی و محوری ظن، شک است با تمایل به یکی از دو طرف مورد احتمال.

۴. تفسیر آیه با تصرف در متعلق «ظن»

در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام مطلبی آمده است که برای برخی از تفاسیر بعد از آن الهامبخش بوده است: «قَالَ: يَظُنُّونَ لِأَنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ بِمَاذَا يَحْتَمُّ لَهُمْ وَالْعَاقِبَةُ مَسْتُورَةٌ عَنْهُمْ... لَا يَعْلَمُونَ ذَلِكَ يَقِينًا - لِأَنَّهُمْ لَا يَأْمُونُونَ أَنْ يَغَيِّرُوا وَيَدُلُّوا» (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۸) بر پایه این تفسیر، متعلق یظنون خود رستاخیز و ملاقات پروردگار نیست، تا ناچار شویم ظن را به معنای یقین بدانیم و در پی آن تلاش کنیم تا شبهه تعارض با «و بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» را از میان برداریم، بلکه متعلق «يَظُنُّونَ» فرجام نیک یا بدی است که انسان بدان آگاه نیست و همواره احتمال می‌دهد، در آزمون‌های بعدی، ایمان و اعمال نیکش را از دست بدهد.

در این تفسیر، با تغییر متعلق ظن، نیازی به تغییر معنای ظن - از گمان به یقین - نیست.

نظیر این بیان تفسیری را در *النکت و العیون* می‌توان شاهد بود که می‌نویسد:

در تفسیر آیه دو تأویل وجود دارد: ۱. اینکه اهل خشوع همواره در نگرانی از گناهان خود، بر این گمانند که خدا را با گناهانشان ملاقات خواهند کرد و ۲. دیدگاه اکثر مفسرانی که ظن در این آیه را به معنای یقین دانسته‌اند. (ماوردی، بی‌تا: ۱ / ۱۱۶)

مجمع البیان پس از نقل این دیدگاه، آن را مورد نقد قرار داده و نوشته است: «برخی گفته‌اند ظن به معنای یقین نیست و در تفسیر آیه باید گفت: معنای آیه این است که خاشعان نگرانند که خدا را با گناهان انبوه خود ملاقات کنند.» پس از نقل این دیدگاه *مجمع البیان* افزوده است: اما این توجیه بعید است؛ زیرا مستلزم تقدیر گرفتن محذوف‌های فراوان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۲۰)

۵. کاربرد «ظن» در معنای «یقین»، به عنوان مجاز

تفسیر فارسی *روح الجنان و روح الجنان* گرچه در آغاز می‌نویسد: «به اتفاق محققان ظن در آیه به معنای یقین است»، اما در ادامه یادآور می‌شود که: «گفته‌اند چون «ظن» را در «علم» به کار برند مجاز بود و این قول قریب به صواب است؛ زیرا تا قرینه‌ای نباشد، از اطلاق لفظ ظن، علم دانسته نشود و قرینه موجود در آیه این است که: آیه در مقام مدح است و مدح نباشد آن را که در بعث و نشور شاک باشد». (رازی، ۱۴۰۸: ۱ / ۲۵۸)

۶. ظن به معنای توقع و چشمداشت

الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل در تفسیر آیه تعبیری به ظاهر متفاوت دارد و می‌نویسد:

«الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ أَيُّ يَتَوَقَّعُونَ لِقَاءَ ثَوَابِهِ وَ نِيلَ مَا عِنْدَهُ وَ يَطْمَعُونَ فِيهِ». (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۳۴) یعنی گمان به لقای پروردگار معنایش توقع داشتن مواجهه با ثواب پروردگار و نایل شدن به نعمت‌های الهی و طمع داشتن به آن نعمت‌هاست.

با تأملی اندک آشکار می‌شود که دیدگاه *الكشاف* تفاوت چندانی با دیدگاه چهارم ندارد؛ زیرا او هم می‌خواهد متعلق ظن را ملاقات رب نداند، بلکه ثواب و نعمت‌های الهی معرفی کند تا خود را از مشکل اعتقاد ظنی به قیامت، وارهاند.

۷. «ظن» در آیه، پیامدار معنایی بلیغ‌تر از «یقین»

تفسیر *پرتوی از قرآن* می‌نویسد: بعضی ظن در اینجا را به‌معنای باور و یقین گرفته‌اند و توجه نکرده‌اند که در این مورد ظن بلیغ‌تر از یقین است؛ زیرا ظن به ملاقات رب هم، موجب خشوع و نگرانی است، چه رسد به یقین، چنانکه همه نگرانی‌ها و امیدها و جنب‌وجوش‌ها از ظن برمی‌خیزد. قرآن مخاطبان این آیات را سرزنش می‌کند اگر گمان هم به ملاقات رب داشته باشند، نباید چنین باشند، چه رسد که خود را اهل یقین می‌نمایند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۴۶)

۸. ادراک لقای رب، فراتر از دسترس یقین و علم

تفسیر پرتوی از قرآن افزون بر نکته شماره ۷ گفته است:

کلمه «ظن» در آیه اشاره به این دارد که مقوله «لقای رب» و درک حقیقت آن بالاتر از توان فکری و ادراک ذهنی انسان است، پس هرچه از این حقیقت در ذهن آدمی پرتو افکند، چون کامل و واقع آن نیست از جهت واقع ظن است و نشانه‌ها و مقدمات آن واقع است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۴۶)

۹. «ظن»، نقطه شروع احساس مسئولیت و تکلیف

تفسیر المیزان برخلاف اکثر مفسران، نیازی نمی‌بیند ظن را به‌معنای یقین یا علم تفسیر کند، از این رو می‌نویسد: اعتقاد به آخرت، از اموری است که باید به آن یقین داشت «وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» و اگر در آیه ۴۶ سوره بقره به‌جای «یقین به آخرت» تعبیر «ظن به لقای رب» آمده است، باید پیام و دلیل خاصی داشته باشد و آن دلیل می‌تواند این باشد که علم انسان به حقایق نظری، به تدریج و در پرتو اسباب تدریجی حاصل می‌شود، آن مراحل عبارتند از: ۱. تنبّه و توجه به موضوع؛ ۲. شک و تردید در آن؛ ۳. دریافت اطلاعات جدید و تفکر در موضوع و ۴. ترجیح یکی از دو طرف تردید.

این روند تدریجی باعث می‌شود تا عناصر و عوامل ترجیح، به تدریج کامل شود و آگاهی انسان از مرحله گمان به مرحله جزم و شناخت یقینی برسد، حال اگر موضوع مورد شناخت، مقتضای خشوع نفس باشد، از زمانی که انسان از مرحله شک عبور کرده، به مرحله ظن می‌رسد، به اقتضای ظن و به‌طور طبیعی حالت خشوع در نفس او پدید می‌آید و هرچه این گمان به علم و یقین نزدیک‌تر شود، خشوع نیز شدت می‌یابد.

بنابراین اگر در آیه «ظن» به‌جای «علم» آمده است، به این حقیقت اشاره دارد که انسان برای خشوع در برابر خدا، تنها کافی است که توجه کند، پروردگاری دارد و ممکن است به سوی او باز گردد و او را ملاقات کند و نزدیک به این معنا در آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف / ۱۱۰) آمده است. هرکس امید لقای پروردگار دارد، پس سزوار است عمل صالح انجام دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۵۲)

۱۰. «ظن قلبی»، کارآمدتر از «علم نظری و حسّی»

الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة معتقد است که ظن در آیه را نباید به‌معنای علم دانست؛ زیرا علم جنبه عقلی و حسّی دارد و ممکن است منشأ عمل نشود ولی ظن قلبی کارآمدتر از علم و منشأ عمل است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۳۸۹)

جمع‌بندی، تحلیل و نقد دیدگاه‌های تفسیری

با اینکه برای این پژوهش حدود صد تفسیر ذیل آیه دیده شده است ولی با حذف دیدگاه‌های تکراری در مجموع ده دیدگاه و بیان تفسیری را که به‌نظر می‌رسید مفسّر، متمایز از تفاسیر پیشین ارائه کرده و به نقل اقوال گذشتگان بسنده نکرده است، مطرح کرده‌ایم، و می‌توان آنها را در سه گروه عمده دسته‌بندی و مورد ارزیابی قرار داد.

گروه نخست: شامل دیدگاه یکم و دوم

بیشتر تفاسیر - که می‌توان آنها را حدود هفتاد درصد تفاسیر دانست - معتقدند که ظن در آیه به‌معنای علم و یقین است و معمولاً تفاوتی نیز میان علم و یقین قائل نشده‌اند.

برای این گروه از مفسّران، موضوع اصلی این بوده است که ایجاد وفاق و هم‌سویی کنند میان «الَّذِينَ يظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ» و آیه «و بِالْآخِرَةِ هُمْ يوقِنُونَ» که یکی بر یقین به آخرت تأکید ورزیده و دیگری ظن به آخرت را غیر مستقیم پذیرفته و ستوده است.

بی‌شک حل این تعارض ابتدایی و ظاهری، یک ضرورت تفسیری است اما نه به قیمت خلط میان ظن و یقین و بی‌وجه شمردن انتخاب واژگان از سوی خدای حکیم و حل مسئله به روش پاک کردن صورت مسئله و یا با ادعای بدون دلیل.

بسیاری از این تفاسیر تنها دلیلشان برای یقین دانستن معنای ظن، استناد به کتب لغت است که ظن را به دو معنای متضاد - شک و یقین - دانسته‌اند؛ درحالی که دقت در منابع لغوی نشان می‌دهد که آنها با نگاه به قرآن و مشاهده دغدغه تفسیری و کلامی مفسران، معنای یقین را از معنای ظن شمرده‌اند و مستند آنان همین آیه و نظائر آن است، نه کاربرد آن در ادبیات عرب.

کتاب العین و مانده‌های آن نیز، تحت‌تأثیر آرای چون مجاهد بوده‌اند که گفته‌اند: «کل ظن فی القرآن یقین، و کل ظن فی القرآن فهو علم». (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۶) زیرا تعبیر «کل ظن فی القرآن» نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه در برخی از آیات، قطعاً ظن به معنای یقین و علم نمی‌تواند باشد، مانند: «الظَّنُّ لَا یُعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً». (نجم / ۲۸)

بیان **تفسیر تسنیم** نیز تمام به‌نظر نمی‌رسد و اینکه ظن در این آیه حتماً به معنای یقین باشد، ادعایی است که بر آن اقامه دلیل نشده و آنچه به‌عنوان مؤید آمده است، بیشتر جنبه استحسان دارد، به‌ویژه با طرح این احتمال که خود تفسیر تسنیم مطرح کرده است مبنی بر اینکه ممکن است قوت مظنون، ضعف ظن را جبران کند. (جوادی آملی، ۱۳۱۸: ۴ / ۱۷۳)

دیدگاه دوم نیز گرچه ظاهراً با دیدگاه اول تفاوت دارد، ولی بازگشت هر دو به این ادعاست که ظن به معنای یقین است، ازاین‌رو در یک گروه قرار می‌گیرند.

گروه دوّم: شامل دیدگاه سوّم تا ششم

دیدگاه‌های چهارگانه - سوّم تا ششم - در این ویژگی با هم مشترکند که «ظن» را به معنای علم و یقین ندانسته‌اند و معنای مستقلی برای آن قایل شده‌اند ولی در پاسخ‌گویی به شبهه تعارض، راه‌های مختلفی را پیموده‌اند که ما اکنون به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم:

الف) دیدگاه سوّم، برای نزدیک کردن ظن به ساحت یقین، تعبیر «ظن متمایل به یقین» را مطرح کرده است، ولی این تدبیر اولاً فاقد دلیل است و ثانیاً مشکل آمیختگی ظن با شک و بی‌ارزش بودن شک در اعتقاد به آخرت را پاسخ نمی‌دهد و شبهه همچنان باقی می‌ماند.

ب) دیدگاه چهارم گرچه با تصرف در متعلق «ظن» هردو مشکل را از پیش پای مفسر بر می‌دارد ولی نیازمند حذف و تقدیر فراوان است و اگر به راستی راهی هموارتر و مقبول‌تر، برای تفسیر عالمانه

آیه نیابیم، می‌توان از این دیدگاه حمایت کرد.

ج) دیدگاه پنجم که کاربرد «ظن» در معنای «یقین» را به‌عنوان مجاز پذیرفته و قرینه مورد نیاز استعمال مجازی را شناسایی کرده است، می‌توانست پذیرفته شود، اما با یک مشکل روبرو است و آن این است که جواز حمل لفظ بر معنای مجازی، منوط به ناامید شدن مفسر، از کاربرد لفظ در معنای حقیقی است، بنابراین باید نخست تلاش کرد تا «ظن» را در معنای حقیقی آن به کار برد و شبهه تعارض را پاسخ داد و اگر ممکن نشد، آنگاه معنای مجازی را پذیرفت.

د) دیدگاه ششم که ظن را به‌معنای توقع و چشمداشت دانسته است، از یک سو مستندی برای به‌کارگیری ظن در این معنای ارائه نداده و از سوی دیگر، این دیدگاه خواسته است مانند دیدگاه چهارم در متعلق ظن تصرف کند و به‌جای «لقای پروردگار»، «مواجهه با ثواب پروردگار» را متعلق ظن قرار دهد.

گروه سوّم: شامل دیدگاه هفتم تا دهم

اینان مفسرانی هستند که نه‌تنها ظن را به‌معنای علم یا یقین ندانسته‌اند، بلکه معتقدند واژه ظن در این آیه و نظائر آن موضوعیت دارد و تغییر معنای آن از گمان - که حامل نوعی تردید یا ابهام است - به علم و یقین، مستلزم فاصله گرفتن از مقاصد وحی است.

این دسته از مفسران برای اثبات سخن خود، هریک راهی را پیموده‌اند که مجال مقایسه و داوری دارد. الف) دیدگاه هفتم معتقدست «ظن» در این آیه، بلیغ‌تر از «یقین» است؛ زیرا آیه می‌خواهد بگوید: برای خشوع در برابر خدا حتی گمان هم کافی است تا چه رسد به یقین که عالی‌ترین است. این مفسر گرچه به شبهه تعارض میان «ظن به لقای الاهی» و «یقین به آخرت» نپرداخته است ولی می‌توان حدس زد که وی نه‌تنها متعلق ظن و یقین را در دو آیه متفاوت دیده، که اساساً موضوع دو آیه را دو چیز دانسته و مجالی برای شکل‌گیری تعارض ندیده است؛ زیرا موضوع آیه ۴ ایمان به آخرت است که نیاز به یقین دارد و موضوع آیه ۴۶ خشوع در برابر خداست که با ظن و گمان به لقای الاهی نیز حاصل می‌شود و تعارضی هم میان آن دو نیست.

ب) دیدگاه هشتم، تأکید دارد که درک حقیقت «لقای رب» فراتر از ظرفیت دانش انسان است و انسان ناگزیر در تصویر و تصور این حقیقت به چیزی بیش از گمان ره نخواهد برد. در نقد این بیان می‌توان گفت که اگر منظور آیه آگاهی انسان از «حقیقت و کیفیت لقای رب» باشد بلی درک عمیق آن نیاز به شهود عینی دارد ولی آیا درک حقیقت آخرت در آیه «وهم بالاخره هم یوقنون» چنین

نیست؟ آیا درک حقیقت آخرت، برای انسانی که هنوز شهود عینی نسبت به آن پیدا نکرده‌اند، ممکن است که خداوند تعبیر یقین را درباره آن به‌کار برده است.

ج) دیدگاه نهم معتقد است که «ظن» در آیه موضوعیت دارد؛ زیرا «ظن» نقطه شروع احساس مسئولیت و تکلیف است، در حالی که «یقین» نقطه اوج این جریان شناختی است، این نقطه شروع و نقطه اوج، هر یک نتیجه و دستاورد خاص خود را دارد؛ زیرا دستاورد «یقین به آخرت» تضمین هدایت و رستگاری است «اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون» در حالی که ره‌آورد «ظن» به لقای رب، خشوع و استمداد از نماز و روزه است.

د) دیدگاه دهم معتقد است که ظن در آیه، ظن برآمده از محاسبات عقلی و استدلالی نیست، بلکه «ظن قلبی» است که مهم‌تر و کارآمدتر از «ظن برهانی» و حتی مؤثرتر از «علم نظری و حسی» است. نقدی که بر این دیدگاه می‌توان داشت این است که اولاً قرینه‌ای در خود آیه نیست تا ظن قلبی را از ظن برهانی تفکیک کند و یکی را بر دیگری ترجیح دهد و اینکه علم نظری الزاماً به عمل منتهی نمی‌شود، از قضایای خارجی است و در آیه هیچ اشاره‌ای به آن دیده نمی‌شود و ثانیاً این بیان، راز تفاوت تعبیر «یظنون» و «یوقنون» را در دو آیه‌ای که موضوع آنها نزدیک به هم است، تبیین ننموده و شبهه تعارض را حل نکرده است.

نگاه پایانی به بحث

در تبیین معنای ظن، در آیه ۴۶ سوره بقره، باید چند اصل رعایت شود:

۱. تا حد امکان باید از درآمیختن معنای «ظن» با معنای «یقین» پرهیز کرد؛ زیرا اصل این است که دو لفظ، دو معنای متفاوت داشته باشد، هرچند تفاوت آنها بسیار اندک باشد، زمانی از این اصل می‌توان صرف‌نظر کرد، که دلایل قانع‌کننده لغوی بر آن گواهی دهد.

از بیشتر منابع لغوی استفاده می‌شود که معنای ظن و یقین متفاوت است و برخی مانند القاموس المحيط تصریح کرده‌اند: «ظن» وقتی است که نسبت به آن جزم (و یقین) نداریم و موضوع بین دو طرف، مردد است ولی یک طرف آن ترجیح دارد. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۴۲)

۲. با پذیرش معنای مستقل برای ظن، کاربرد آن در معنای یقین به‌عنوان مجاز، منوط به ضرورت عقلی یا قرینه لفظی و حالی است، ولی با توجه به امکان حمل لفظ بر معنای حقیقی و ظاهری آن، نوبت به حمل لفظ بر معنای مجازی نمی‌رسد.

۳. مهم‌ترین عاملی که زمینه ابهام را در معنای ظن رقم زده، این است که بیشتر لغویان و

مفسران به شکلی پذیرفته‌اند که گاهی ظنّ در معنای یقین یا علم به کار می‌رود اما همان‌گونه که پیشتر بیان شد، این ادعا مستند به ادبیات عرب و شواهد عرفی نیست، بلکه همه این منابع به شکلی با نگاه به آیات قرآن و ضرورت‌های تفسیری، این ادعا را مطرح کرده‌اند و احتمال نداده‌اند که آیه تفسیر مقبولی داشته باشد که مستلزم تغییر و تصرّف در معنای ظنّ نباشد.

۴. از میان دیدگاه‌های تفسیری، برخی تفاسیر بیشترین پابندی را به اصول تفسیر واژگان و تعبیر قرآنی نشان داده‌اند و قوی‌ترین بیان و استدلال را در تبیین معنای آیه به کار بسته‌اند که تفاسیر گروه سوم را باید نام برد و در آن میان *تفسیر المیزان* را برترین به حساب آورد، هرچند *تفسیر تسنیم*، بر پایه رویه معمول خود، بیشترین اطلاعات تفسیری را درباره این آیه ثبت کرده و با بیانی روشن، تبیین نموده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۱ ق، *تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

- ابن منظور، محمد بن مکرّم، بی تا، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.

- حسن بن علی رضی الله عنه، ۱۴۰۹ ق، *التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری رضی الله عنه*، قم، مدرسة الإمام المهدي رضی الله عنه.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *تسنیم، تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء،

چ ۳.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ ق، *الصاحح تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین.

- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد،

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامی.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل*

فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.

- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی.

- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان للعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه المرتضویه.
- عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، *الفروق اللغه*، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *کتاب التفسیر*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- غزالی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر*، قم، دار الهجرة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، دار الهجرة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ ق، *القاموس المحيط*، بیروت، منشورات محمد علی بیضون.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر علی بن ابراهیم قمی*، قم، دار الکتاب.
- مطرزی، ناصر بن عبدالسید، ۱۳۹۹، *المغرب فی تربیت المعرب*، حلب، مکتبه أسامة بن زید.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ماوردی، علی بن محمد، بی‌تا، *التکت و العیون*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی، ۱۴۰۵ ق، *تخریب القرآن و تفسیره*، بیروت، عالم الکتب.

